



زنان در جشنواره سینما

■ دکتر شهرام خرازی ها ■

ای با مردان نداشتند اما در سال‌های بعد تقریباً از اواسط دهه هفتاد به اینطرف نام سینماگران زن در کنار مردان قرار گرفت و آن‌ها بیش از پیش توانائی‌های خود را به اثبات رساندند.

جشنواره فجر که زمستان گذشته بیست و چهارمین دوره را پشت سر گذاشت با یک اتفاق بی سابقه در تاریخ برگزاری خود روبرو شد: دریافت پنج ساخته جدید سینمایی از زنان فیلمساز که عبارت بودند از: "آتش بس" (تهمینه میلانی)، "رویای خیس" (پوران درخشنده)، "شب بخیر فرمانده" (انسیه شاه حسینی)، "یک شب" (لیلی کریمی) و "عصر جمعه" (مونا زندگی حقیقی). از این پنج فیلم فقط "شب بخیر فرمانده" و "عصر جمعه" به بخش مسابقه جشنواره راه یافتند. "یک شب" برای بخش "جشنواره جشنواره‌ها" برگزیده شد و "آتش بس" و "رویای خیس" در بخش "مهمان" گنجانده شدند. "میلانی" و "درخشنده" که فیلم‌های شان از بخش "مسابقه" کنار گذاشته شده بود به نشانه اعتراض از حضور در این رقابت سینمایی انصراف دادند و بدین ترتیب حضور بی سابقه پنج فیلمساز زن در یک دوره از جشنواره فجر میسر نشد. از آن طرف فیلمسازان مرد مطابق معمول با فیلم‌هایی قابل اعتنا در حال و هوایی زنانه

سینمای ایران در یکی دو سال اخیر با عرص اندام و درخشش‌های داخلی و بین‌المللی زنان هنرمند مواجه بوده است. روزگاری حضور زنان در این سینما منحصر به حیطه بازیگری می شد در ادوار بعد که هنر هفتم تثبیت شد و سروسامان گرفت زنان به کارگردانی و فیلمنامه نویسی هم روی آوردند. تا سال‌ها سینمای ایران زنان را فقط در این سه حیطه به رسمیت می شناخت تا آنکه با وقوع انقلاب اسلامی که یک انقلاب فرهنگی بود و رخت بر بستن مظاهر هنری ابتدال، سینمای نوین ایران متولد گشت و زمینه فعالیت‌های هنری برای بانوان مستعد و علاقمند فراهم آمد. هر چند در سال‌های نخستین باز هم زنان در همان سه حیطه یاد شده فعال بودند اما کم کم افزایش مراکز دانشگاهی و آموزشکده‌های سینمایی و فرهنگسراها و مراکز سینمای جوان و... عرصه‌های دیگر را نیز در نور دیدند تا امروز که بخش قابل توجهی از نیروی انسانی هنر سینما را شامل می شوند. این تاریخچه را می توان با نیم نگاهی به فهرست کاندیداهای دریافت سیمرغ بلورین دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر به عنوان مهم ترین رخداد سینمایی سال هم مرور کرد. قریب به یک دهه زنان عمدتاً در حیطه بازیگری کاندید می شدند و هیچگونه رقابت حرفه



می‌رسد. نگاه معقولانه و فارغ از هر گونه پیشداوری نویسنده و کارگردان به مردانی از طبقات مختلف اجتماع که سرراه دختر قرار می‌گیرند به فیلم تشخص خاصی بخشیده‌اند. "کریمی" در "یک شب متأثر از سینمای کپارستمی" و فیلم "ده اوست. کریمی" بخاطر آنکه حساسی حواسش متوجه دوربین و صحنه باشد در "یک شب" بازی نکرد. این نکته حاکی از آن است که او جقدر برای فیلم و مخاطبیش ارزش قائل بوده است. "انسیه شاه حسینی" با "شب بخیر فرمانده" می‌کوشد تا چراغ رو به خاموشی سینمای جنگ را روشن نگاه دارد. تلاش او قابل تقدیر است. او در دومین فیلمش موفق شده تا برای نخستین بار در سینمای ایران موقعیت واقعی زنان در جبهه‌های جنگ را تصویر کند. "شاه حسینی" رابیش تر به

عنوان فیلمنامه نویسی دقیق و چیره دست می‌شناسند او چند سالی است که به فیلمسازی روی آورده است. فیلم اول او "غروب شدیدا" که تقلید واضحی بود از فیلم موفق و بیاد ماندنی "عروس آتش" (خسرو سینایی) تاکنون اکران نشده است. "شاه حسینی" با همین دو فیلم توانائی‌های خود در عرصه‌ی کارگردانی را به رخ کشیده است.

یکی از ارمغان‌های فجر ۲۴ برای سینمای ایران "زمان می‌ایستد" بود. "علیرضا امینی" کل فیلم را فقط با حضور یک بازیگر زن فیلمبرداری کرده بود که تجربه بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شود. "هاینه توسلی" در این فیلم نقش دختر بارداری را بازی می‌کند که برای خروج از کشور ناگزیر به طی کردن مسیری دشوار در کوهستان‌های مرزی برف گرفته است. "امینی" در تمام لحظات فیلم دیدی غمخوارانه به قهرمان زخم خورده خود دارد. تجربه‌ای که "توسلی" در این فیلم پشت سر گذاشته نیازمند صرف انرژی و حوصله زیادی بوده است. او باید با سرمای محیط کنار می‌آمد و بدون حضور بازیگر نقش مقابل جلوی دوربین حس می‌گرفت. "توسلی" بعد از بازی در "شب‌های روشن" (فرزاد مومتن)، "یک شب" و "زمان می‌ایستد" به هنر پیشه فیلم‌های کم شخصیت با فضاهای خلوت معروف شده است. او برای بازی خویش در "زمان می‌ایستد" کاندید دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن نقش اول بود. یکی از تماشاگر پسندترین فیلم‌های زنانه فجر ۲۴ "کافه ستاره" بود که زندگی سه زن ساکن در یک محله قدیمی با ساختاری اپیزودیک روایت می‌کرد. "سامان مقدم" با این فیلم به

خواهری گمشده و یک جا آرایشگری معمولی است و یک جا مطرود خانواده. "تونهالی" همه وجوه این نقش را در بازی لحاظ کرده است. "عصر جمعه" کاندید دریافت هشت جایزه بهترین فیلم فیلمنامه و کارگردانی (مونا زندی حقیقی)، تدوین (سپیده عبدالوهاب)، بازیگر نقش اول زن (رویانونهالی)، طراحی صحنه و لباس (ژیلا مهر جویی)، چهره پردازی و فیلمبرداری بود. "مونا زندی حقیقی" که فیلمش در بخش "مسابقه فیلم‌های اول و دوم" هم شرکت کرده بود توانست جایزه سیمرغ بلورین این بخش را از آن خود کند.

"نیکی کریمی" که بیش از یک دهه همچنان یکی از پولسازترین سوپرستارهای سینمای ایران محسوب می‌گردد با "یک شب" به جشنواره آمده بود. نخستین فیلم "کریمی" در مقام کارگردان از ساختاری اپیزودیک برخوردار بود. دختر جوانی مجبور است یک شب را تا صبح در خیابان‌های تهران بگذراند چون مادرش با مردی در خانه قرار ملاقات گذاشته است! کل صحنه‌های فیلم در شب فیلمبرداری شده است. سوژه به اندازه کافی جسورانه است اما قدری کهنه و بیات به نظر

حضور فعالی داشتند: "جعفریناهی" با "آفساید"، "علیرضا امینی" با "زمان می‌ایستد"، "سامان مقدم" با "کافه ستاره"، "اصغر فرهادی" با "چهارشنبه سوری" و "فریدون جیرانی" با دو فیلم "ستاره می‌شود" و "ستاره بود".

در سینمای ایران همچنان مردان بهترین فیلم‌ها را درباره زنان می‌سازند هر چند که در سال‌های اخیر این باور عمومی اندکی دستخوش تغییر شده است شاید به این خاطر که زنان فیلمساز به علت اشباع سینمای ایران از فیلم‌های فمینیستی دیگر کم‌تر به ساخت سوژه‌هایی که دفاع یک‌جانبه و پراغراق از همجنسان‌شان را تبلیغ می‌کنند تمایل نشان می‌دهد. اینک دیگر کم‌تر کسی با این پیش‌فرض که چون کارگردان فلان فیلم یک زن است پس حتماً در فیلمش به حمایت از طبقه نسوان برخاسته، به سینمایی رود. با این مقدمه می‌پردازیم به جشنواره بیست و چهار و کارنامه یکسال فعالیت زنان در سینمای ایران:

از بین زنان فیلمسازی که فیلمشان به جشنواره راه یافته بود "مونا زندی حقیقی" از بقیه خوش اقبال‌تر بود. او که "رخشان بنی‌اعتماد" را به عنوان مشاور در کنار خود داشت توانست با "عصر جمعه" شروع خوبی در سینمای ایران داشته باشد. "عصر جمعه" فیلمی است با حال و هوایی بشدت زنانه که لحظاتی تلخ از زندگی نابسامان زنی فریب خورده و فرزند نامشروعش که در زندان به دنیا آمده را پیش چشم می‌گذارد. "رویانونهالی" در نقش اصلی این فیلم بازی خیره‌کننده‌ای داشت. جالب توجه ترین نکته در بازی او تقلید صدا، لحن و آهنگ خاص زنان زشتکار و فرودست بود. زن "عصر جمعه" یک جا مادری است دلسوخته و یک جا

○ از بین زنان فیلم‌سازی که فیلم‌شان به جشنواره راه یافته «مونا زندی حقیقی» از بقیه خوش اقبال‌تر بود. «عصر جمعه» فیلمی است با حال و هوایی به شدت زنانه که لحظاتی تلخ از زندگی نابسامان زنی فریب خورده را پیش چشم می‌گذارد.

حال و هوای سینمای دهه پنجاه ایران بازگشته و غم‌ها و شادی‌ها و دردها و رنج‌های آدم‌های تیره‌رو و فرو دست اجتماع را بر بستر قصه‌ای پر تنش از نویسنده معروف مصری - "نجیب محفوظ" - به تصویر کشیده است. فیلم علی‌الظاهر در ایران امروز روایت می‌شود اما روابط ما بین آدم‌ها، نحوه پرداخت ماجراها و فضا سازی‌های خاص کارگردان "کافه ستاره" را به فیلمی با مظاهر سینمای فارسی تبدیل کرده در مرز بین هنر و تجارت. داستان "کافه ستاره" در ایران دهه پنجاه پیش تر قابلیت تعریف دارد تا جامعه فعلی. در ایزود اول فیلم با زنی به نام فریبا آشنا می‌شویم که از طریق اداره کافه‌ای محقر روزگار می‌گذراند. فریبا به لحاظ شخصیت پردازی همان زن سیاه روز آشنای سینمای فارسی است که به پایان دوران خود رسیده و مجبور است مطیع امر باج‌خور محله باشد و خسرو - برادر فریبا - همان لوطی جوانمردی است که دادزن از باج‌خور می‌ستاند. افسانه بایگان "هنر پیشه زیرکی است او که یکی از پرکارترین بازیگران زن دهه شصت سینمای ایران بود و در دهه‌ی هفتاد با ظهور نوستاره‌ها از حجم فعالیت‌های هنری اش کاسته شد اینک بعد از چندی غیبت با ایفای نقش فریبا در "کافه ستاره" به پرده سینما بازگشته است. "بایگان" نیک دریافته که دوره نقش‌هایی که در دهه شصت به ایفای آن‌ها می‌پرداخت گذشته است از همین رو باگزینش درست و آگاهانه نقش‌های غیر متعارف همچنان توانسته طراوت بازی خود را حفظ کند. "بایگان" بخاطر بازی در "کافه ستاره" کاندید دریافت جایزه بهترین هنرپیشه نقش اول زن بود. در ایزود دوم "کافه

○ نیکی کریمی با «یک شب» به جشنواره آمد. دختر جوانی که مجبور است یک شب را تا صبح در خیابان‌های تهران بگذراند موضوع فیلم کریمی است. نیکی کریمی برای آنکه حساسی حواسش متوجه دوربین و صحنه باشد در «یک شب» بازی نکرد.

ستاره" با یک مثلث عشقی روبرو می‌شویم که در یک رأس آن دختری قرار دارد بنام سالومه که مجبور است از پدر نابینایش مواظبت کند. او همزمان مورد توجه یک پسر جوان هم محله‌ای و یک غریبه قرار می‌گیرد. آوارگی و در بدری سالومه پایان تلخ این مثلث عشقی را رقم می‌زند. نقش سالومه را "هانیه توسلی" - پرکارترین بازیگر جشنواره - ایفا نموده است. ایزود سوم "کافه ستاره" قصه سرشار از اندوه و شادی پیر دختر محله - ملوک - است که دل درگرو عشق خسرو دارد. خسرو حین عبور از مرز کشته می‌شود و ملوک با جوان دیگری سر سفره عقد می‌نشیند.

نقش ملوک از آن دست نقش‌هایی است که ایفایش آرزوی بسیاری از زنان بازیگر است؛ نقشی که چم و خم و جای کار بسیار دارد و می‌توان حساسی روی آن مانور داد. "رویا تیموریان" در نقش پیر دختر با معرفت حساسی درخشیده است اما هیات داوران از کنار بازی خوب او بی تفاوت گذشتند. "کافه ستاره" کاندید دریافت بهترین چهره پردازی بود. گریم این فیلم را خانم "مهری شیرازی" بر عهده داشت.

"فریدون جیرانی" با جلدهای اول، دوم و سوم "ستاره‌ها" تحت عنوان "ستاره می‌شود"، "ستاره است" "ستاره بود" از وضعیت نامطلوب زنان هنرپیشه در سینمای ایران پرده برمی‌دارد. از این سه جلد، جلدهای اول و سوم به ترتیب در بخش‌های مسابقه و مهمان جشنواره شرکت داشتند و جلد دوم اصلاً نمایش داده نشد. در جلد اول - "ستاره می‌شود" - با دختری جوان آشنا می‌شویم بنام پونه گلکار که شیفته بازیگری در سینماست. او به واسطه ارتباطاتی که با دست اندرکاران سینما دارد موفق می‌شود برای پدرش که یک بازیگر قدیمی تئاتر است نقشی در یک فیلم در حال تولید دست و پا کند. پدر که در جریان فیلمبرداری متوجه پشت صحنه نامطلوب سینما و پوشش، آرایش و رفتار زننده دخترش شده از فرط اندوه و تأسف نمی‌تواند نقش محوله را بازی کند. پدر را با خفت و خواری از صحنه اخراج می‌کنند. واکنش او به سقوط اخلاقی دخترش خودکشی است.

"جیرانی" در "ستاره می‌شود" روی موضوع بسیار حساس و ملتهب مفسده برانگیز بودن محیط سینما برای دختران جوان دست گذاشته است. فیلم او عبرت آموز است اما فیلمنامه شتاب زده و بی دقتی دارد. این برای اولین بار نیست که در سینمای ایران به معضلات اخلاقی زنان هنرپیشه پرداخته می‌شود. "حجت الله سیفی" و "سید ضیاءالدین دری" در اواسط دهه هفتاد در فیلم‌های "عروس کاغذی" و "سینما سینماست" به صراحت عواقب ناخوشایند ورود زنان به عالم سینما را متذکر شده بودند. خانم "آهو خردمند" به خاطر بازی تحسین برانگیزش در این فیلم از شناس‌های دریافت سیمرخ بلورین بهترین هنرپیشه زن نقش دوم بود.

در جلد سوم "ستاره‌ها" - "ستاره بود" - از اولین زن هنرپیشه سینمای ایران - "روح انگیز سامی نژاد" - که فقط یکبار توانست طعم بازیگری در فیلم "دختر لر" (عبدالحسین سپنتا - ۱۳۱۲) بچشد، یاد می‌شود.

"سامی نژاد" برای بازی در "دختر لر" بارها سرزنش شد و مورد لعن و نفرین قرار گرفت چون جامعه ایرانی آن روزگار حضور زن در سینما را بر نمی‌تابید. "سامی نژاد" آنقدر بخاطر بازی در این فیلم مصیبت کشید که حتی مجبور شد نامش را به "صدیقه دمانودی" تغییر دهد و خود از انتظار مخفی کند. "جیرانی" در "ستاره بود" نقطه بازیگری در سینما را به شیفتگان این هنر نشان می‌دهد تا دریابند که سینما چقدر بی رحم و عمر بازیگری چقدر کوتاه است.



چهره و لباس خود را به شکل و شمایل مردان درآوردند تا بدین طریق بتوانند وارد استادیوم آزادی شوند برخی از آن‌ها موفق و در مقابل عده‌ای دستگیر می‌شوند... "پناهی" در ورای این طرح داستانی ساده و در لایه‌های ژرف‌تر فیلمش به تنگناها و محدودیت‌های زنان جهان سوم نظر دارد "آفساید" اصلاً یک فیلم ورزشی یا فمینیستی نیست؛ بیش‌تر یک فیلم سیاسی است. این فیلم حوزه‌های مختلفی را برای بحث و نقد پیش رو می‌گسترده و از آندست آثاری است که ساعت‌ها می‌توان در باره‌اش بحث کرد.

متولیان جشنواره ۲۴ از گلاب آدینه "به پاس بیش از دو دهه فعالیت هنری قدردانی نمود و برایش بزرگداشت گرفتند. "آدینه" فرزند "حسینقلی مستعان" -پاورقی نویسنده مشهور- و همسر "مهدی هاشمی" -بازیگر سینما- چند سالی است که علاوه بر بازی در سینما و تئاتر به حرفه بازی گردانی هم روی آورده است. او "وقتی همه خواب بودند" (فریدون حسن پور) را در جشنواره داشت که در آن نقش پیرزنی بسیار پرسن و سال تراز خود را ایفا کرده بود. "آدینه" آنقدر در این نقش خوب جا افتاده بود که قرار گرفتن نامش در فهرست کاندیداهای بهترین بازیگری تعجب کسی را برنمی‌انگیخت هم زمان با برگزاری جشنواره کتابی تحت عنوان "بانوی بازیگر" در اختیار علاقمندان قرار گرفت که در حقیقت کارنامه هنری مکتوب "آدینه" محسوب می‌شد. نکته عجیب و پرسش برانگیز در این میان عدم نمایش فیلم جدید این بازیگر توانا - "آرامش در میان مردگان" (مهرداد فرید) - در جشنواره بود. "آدینه" در این فیلم نقش زن رنج کشیده‌ای را بازی می‌کرد که ساکن قبرستان است! به جز خانم‌هایی که در این گزارش به موفقیت‌های هنری‌شان اشاره شد می‌توان از "نیوشا ضیغمی" -کاندید بهترین بازیگر نقش اول زن برای فیلم "شوریده" (محمدعلی سجادی)-، "نیره فراهانی" -کاندید بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای "تقاطع" (ابوالحسن داوودی)-، "مهتاب نصیرپور" -برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای "به نام پدر" (ابراهیم حاتمی کیا) و "سودابه خسروی" -کاندید بهترین چهره پردازی برای "شوریده" - نام برد.

فجر ۲۴ با همه فرازونشیب‌ها و عجایبش پایان پذیرفت در حالی که از همراهی و حضور پررنگ و بیاد ماندنی زنان هنرمند سینمای ایران بهره فراوانی گرفت.



شد. "پانته آبهرام" که طی دو سال اخیر صحنه تئاتر را به تسخیر خود درآورده است با بازی خوب و خوش ریتمش نشان داد که این قدرت را دارد تا همچون صحنه نمایش مقابل دوربین سینما هم نقش را زندگی کند. "چهارشنبه سوری" از فضایی به شدت زنانه برخوردار است و از حالا می‌توان حدس زد که درصد زیادی از تماشاگرانش بانوان علاقمند به سینما هستند. "هدیه تهرانی" سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن نقش اول را به خاطر فیلم دریافت کرد.

تدوین "چهارشنبه سوری" بر عهده خانم "هایده صفی یاری" بود که در رقابتی تنگاتنگ با دخترش - "سپیده عبدالوهاب" - که "عصر جمعه" را تدوین کرده بود، توانست به سیمرغ بلورین دست یابد. این برای اولین بار در تاریخ جشنواره فیلم فجر بود که در رشته تدوین یک مادر و دختر به صورت جداگانه کاندید شده بودند.

"آفساید" یکی از جنجال برانگیزترین فیلم‌های فجر بود. "جعفرپناهی" که برای نمایش عمومی فیلم هایش در ایران با مشکل مواجه بود این بار به سراغ موضوع مناقشه برانگیز ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی رفته است.

"آفساید" سوژه جالبی دارد؛ در روز مسابقه تیم‌های ملی فوتبال ایران و بحرین تعدادی دختران جوان عاشق فوتبال می‌کوشند تا با تغییر

"چهارشنبه سوری" گل‌سبز جشنواره بیست و چهار بود. فیلم حکایت چند ساعت از زندگی یک خانواده متوسط شهری است که با ورود دختر خدمتکاری از طبقه پایین جامعه متحول می‌گردد. مرد خانواده با زن همسایه که از راه آرایشگری امرار معاش می‌کند، رابطه دارد. همسر او به این رابطه ظنین است.

دختر خدمتکار در همان چند ساعت حضورش پی به حقیقت ماجرا برده خواسته و ناخواسته می‌کوشد تا زن و شوهر را به هم نزدیک کند. کارگردانی، فیلمنامه و بازیگری سه رکن اساسی "چهارشنبه سوری" هستند. از چهار شخصیت اصلی فیلم سه نفرشان زن هستند که نقش آن‌ها را "هدیه تهرانی"، "ترانه علیدوستی" و "پانته آبهرام" بازی می‌کنند. جالب آنکه هر سه نفر هم کاندید دریافت سیمرغ بلورین بودند. "هدیه تهرانی" در این فیلم شبیه هیچکدام از فیلم‌های قبلی‌اش بازی نمی‌کند یک صحنه درد دل در حمام دارد که فوق العاده است و از اوج‌های بازیگری او محسوب می‌شود. "ترانه علیدوستی" هر چند در حد و اندازه‌های فیلم اولش "من ترانه پانزده سال دارم" (رسول صدرعاملی) - ظاهر نمی‌شود اما بار دیگر ثابت می‌کند که چقدر به زیروبم‌های بازیگری آشناست. او هنگام بازیگری در "چهارشنبه سوری" برادرش را از دست داد با این وجود خودش با کارگردان تماس گرفت و خواستار ادامه فیلمبرداری